

وقتی این بیان را حضرت بهاء الله در شرق فرمود مردم بسیار استغراب می نمودند
 الی آخر بیانه الاحلی و از جمله علائم ترقی نساء را تعمیر چنان بنا و تشکیل چنان محلی بیان
 نمودند و شرحی مفصل در مساوات حقوق و تربیت نساء مانند رجال فرمود و جمعی
 قبل و بعد از خطابه مبارک بانگش و پیانو ادا، شکرانه نمودند و رئیس و میر مجلس
 مستر مهراهل نیویورک بود که حین ورود مبارک چون همه برخاستند و بعد با اشاره
 مبارک نشستند اول او در معرفی وجود مبارک داد سخن داد و چون مکمل انور برای
 اداء خطابه قیام فرمود جمیع کف زنان بودند و چنان صد ادرآن تالار عظیم عظیم
 که از سطوت قیام مبارک دلها بطیبه و قلوب دوستان از قیود الام برمید استحق
 قیام و نطق مرکز عهد الهی در آن گونه مجامع سزاوار بود که چرخ دوار سرخوش رفتاری
 داشت و بجای ستکاری بر منظر فیض نیردانی اسباب کامرانی و علو امر رحمانی
 بیامی ساخت آری نغمه طلعت یثاق را در آن گونه بارگاه و رواق شنیدن
 ذوقی عجیب داشت و علم افتخار ابدی می افراشت جای دوستان شرق بسیار
 خالی و نمایان بود و دیگر کیفیت شرف و خضوع نفوس بعد از آن مجلس در تالار
 علی حده مفصل است روز ۱۰ جمادی الاولی (۲۷) اپریل صبح مس پارنر مبلغی تقدیم
 نمودند این مبلغ را باید بفقرا انفاق نمائے هر قدر اصرار کرد مقبول نیفاد و فرمودند
 اگر مصارف سفر موجود نبود قبول میشد تا بار را نظر وزیر مالیه حضور مبارک صرف نمودند
 و حین مرضی از شدت شوق تبسم و خندان بود پس از آن چون شریف فرمای منزل

یکی از افسران برای خسد حافظی شدند اولدی الور و دیگل نور را در آغوش گرفته
از ذوق گرمان و نالان گردید خدام آستانی که خنده آن وزیر کریم این افسر شهیر دیدند
این مصراع را خواندند "خنده و گریه عشاق ز جای دیگر است" از روز ذکر مجامع اجبای
رحمن و اوصاف دلبر پیمان چنان شهره شهر و بازار شده بود که بعضی از شیشهای متعصب
در بعض کنائس ناله و حد و حد بلند کردند و آتش چون شب آفر بود سس پارتیز ضیافتی
مجلس نمود و اعیان و اعزّه شهر را دعوت در سبشن کرد دستگای با سم انجمن ارتباط
شرق و غرب در احترامات فائقه حضرت عبدالبهادر پاشا ساخت چون سیصد نفر از
از بزرگان همه بالباسهای رسمی حاضر شدند و در اوطاقهای وسیع مزین بانواع زمینها و
گلها منتظر قدم مبارک بودند و جود اظہار از ایالات شریف آوردند یکت یکت از رجال
و سادات کمال ادب حضور مبارک آمده دست میدادند و یکدیگر را مستر فی منمود و انظار
خلوص و خضوع میکردند تا آنکه بصالون بزرگ برای خوراک شریف بردند و جمعیت
پس از صرف خوراک و شربت و شیرینی و چای و بستنی بطبقه پائین در تالار موزیک
رفتند و وجود مبارک در اوطاقی جالس که دسته دسته نفوس مشرف می شد
و بسوال و جواب و استماع بیان مبارک نهایت خوشنودی و منونیت اظهار میکردند
از جمله یکی از قاضیهایی و اشینگلن بود و او می فرمودند که "چنانکه در میان ایالات متحده
امریکا اتحاد حاصل است ممکن است میان دول عالم باشد" بچند نفر از دکتور نامی فرمودند
"میسر دارم شما با علم صلح عمومی را بلند کنید" بهمندسی میفرمودند که "چنانچه در یک طرف

بنفوس مختلفه هندہ تعلیم میدہی امیدوارم ورنہ خانہ الہی امم تنوعہ را از حقیقت
 و اساس ادیان ایستہ آگاہ نمائے بیزاد میرال پری کاشف قطب شمالی فرمودہ امیدوارم
 مجہولات عالم ملکوت را معلوم کنی " برئیس اساقفہ فرمودند " امید چنانست تعالیہ مضرہ
 را دور و حقیقت تعالیم سبحی را ترویج نمائے و رسوماتی را کہ منافی علم و مخالف حقیقت است
 زائل کنی " بوزیر مختار سویلند شہرچی از ایام اقامت مبارک در سویل فرمودہ باکسان
 رئیس جمہور از مذمتیہ الہیہ سخن میراندند و یکی از اعضاء پارلمان می فرمودند کہ چنانچہ
 در خیر امریکا سعی مینمائی باید خیر خواہ عموم ملل و ممالک عالم باشی ہمینطور برئیس کتشافات
 و جہال قونسولہا و رؤسای محافل صلح و نفوس محترمہ دیگر بیاناتی مفضل فرمودند تا آخر
 مجلس کہ یک یک با نہایت تعظیم مخص شدند آتش ہم کی از شہہای خلی مبارک
 بود و آن مجلس یکی از مجالس عظیمہ مہتمہ

روز ۱۱ جمادی الاولی (۲۸) اپریل میل اقدس مصترم حرکت بشیکاغو بودند از جملہ
 سفرائے کہ منزل مبارک آمدند سفیر انگلیز بود و در ساعت اقدس بی نہایت خاضع و محبت
 نفوس سائرہ از اجبا و مبتدہا تا عصر ساعت پنج و نیم وقت حرکت بس پارنر
 می فرمودند " فصل بہار بود و در منزل شما مجامع خوبی داشتیم من بہیچ وقت فراموش نسکنم
 ہمیشہ از برای شما تائیدات الہیہ می طلبم کہ از جہت مادیات و روحانیات ہر دو تائید
 یابی عالم مادی ظاہری دارد و باطنی زیر موجودات مانند سلسلہ ہم مرتبط است
 تا بروحانیات میرسد و آخرنتی بحتائق مجتہدہ میشود امیدواریم این را بطرح و

روز بروز محکم تر گردد و این مخابره قلبی که آن را با الهام تعبیر نمایند مسترمانند چون این
 رابطه حاصل است لهذا بعد ظاهری حکمی ندارد و ای مقام از عالم الفاظ مقدس و برتر است
 (و بعضی دیگر میفرمودند) امید است این ملاقاتهای مانع باقیه نباشد و عظم فوائد و حد
 عالم انسانی صلح عمومی است انهی و چون بایستگاه خط آهن تشریف فرما شدند تا وقت حرکت
 ترن جمیع اجناس بسته ناظر روی چون ماه بودند و در نهایت شور و انقلاب چند نفر
 رجا نمودند که در رکاب مبارک باشند از جمله سس ناس محترم نطقهای مبارک با انگیزی بود
 که رجا ای می نمود نام او را مرضیه خانم فرمودند چون از استیشن جنگش و هنر تو پاک عبور
 فرمودند نزدیک بغروب قطار راه آهن بایالت و رجا رسید از واشنگتن تا اینجا
 دو طرف راه در نهایت خرمی و صفا بود علی الخصوص آنقدر که میفرمودند بسیار با صفا
 ولی از چهره مبارک آثار حزن نمودار بود پس از چند دقیقه فرمودند اینگونه مناظر را که نمی‌توانم
 محزون می‌شوم و بخاطر می‌آید که جمال مبارک مواقع سبز خسترم را خیلی دوست میداشتند
 خدا خیر آن نفوس ندهد (داد) که جمال مبارک را در چه محلی حبس نمودند بعد از وضع
 خوابگاه و نظافت و طاقهای راه آهن و چسب اغهای برق تعریف میفرمودند ولی همین
 حرکت ترن سریع بود شب چندان استراحت فرمودند روز ۱۲ جمادی الاولی
 (۲۹) اپریل باز صبح در ترن از معموری اطراف و خرمی نواحی تعریف نمودند فی الحقیقه
 قطعه زمینی لم یزرع دیده نشد ناچار را سر میزد در اطاق خوراک میل فرمودند و آنروز
 در ترن اکثر سرگذشت ایام جمال مبارک می‌فرمودند و دائماً بفرود ذکر آنزوی انور

بودند تا اول شب که موکب مبارک وارد شیکاگو گردید روشنی شهر جلوه چراغها
 برق چنان بود که گویا تمام کوچه و بازارها را چسب افغانی نموده بودند اما صبح در روز مبارک
 در ایستگاه راه آهن اجبا و لوله و پهلای غریبی داشتند نعره الله ابھی ناله یا عبده لبها
 بفلاک تاثیر میرسید تا حرکت بهوتل پزافر نمودند پس از نزول حلال و استقرار چون
 بعضی از اجبا مشرف شدند از جمله بیانات مبارک که بایشان این بود که "خوب شهری دارید
 ندای الهی اول در این شهر بلند شد امیدوارم که در شیکاگو امر الله نهایت نفوذ
 حاصل نماید چنانچه بنور الکتریک روشن است امید است بانوار ملکوت ابھی منور گردد
 در واشنگتن مجامع هزار دهم از فرود شب و روز من آرامند هشتم میان سفید
 و سیاهها الفت داده شد خیلی مؤمن شدند آنها را میگویند که مؤمن نبودند بسیار نزدیک
 آمدند با وجود این من از شیکاگو زیاد تر خوشم میآید چه که اول ندای بهاء الله در این
 شهر بلند شد امیدوارم خدمات عظیمه موفق شوید و با هم در نهایت الفت و محبت
 باشید و اجبار جای حفظ از امتحانات الهیه نمودند و نمودند امتحانات شدید در
 ایران بود که اموال را غارت و اجباب با شهید می نمودند و آنی نیست نبود باری خلی شتیاق
 بملاقات شما هشتم اگر این اشتیاق نبود عنایت جمال مبارک شامل حال نمیشد با آنکه
 وقتی من از اسکندریه سوار کشتی شدم هیچ عالم خوب نبود انتهی بعضی از صاحبان جبراً
 با تلفون اجازه تشریف خواستند فرمودند فردا صبح و بعد از شام مقابل باغ جالس شدند
 چون از دربار و طاق نظر انور بیرون افتاد فرمودند "این عمارت منظر خوبی دارد اغلب

باغبان و کوچه ها و چراغهای شهر نمایانست. روز ۳ جمادی الاولی (۲۳) پربل جمعیت
اجتبا و بستدیهها در پارتمان منزل مبارک جمع و یک یک دود و بامترجم در اوطاق
مبارک مشرف می شدند و هر یک از شدت شوق حال پرواز داشت چون چند نفر
از روزنامه نویسیها مشرف شدند از جمله بیانات مبارکه در جواب آنها این بود

(هوشیار)

ما بهاء الله را اول مرتبی عالم انسانی میدانیم در زمانیکه شرق در ظلمت اختلاف احاطه
نموده بود و ملل مشرق زمین در نهایت عداوت و بغضا بودند و مذاهب با یکدیگر
در نهایت اجتناب و یکدیگر را نجس میدانستند و همیشه مشغول جنگ و جدال در چنان
وقتی حضرت بهاء الله چون شمس از افق شرق طالع شد و جمیع را بجهت و معاشرت
دعوت فرمود و نصیحت و تربیت آنها پرداخت از هر ملت و مذہبی هدایت کرد
علل و مذاهب مختلفه را استیقام داد و بنهایت اتحاد و اتفاق رسانید بدرجه ای که
چون در مجامع آنها داخل میشوی میداننی کدام سرسلی است کدام مسلمان است کدام فارسی
است و کدام مسیحی پادشاه مستبد ایران با جمیع علماء بر خلاف قیام نمودند و بنهایت
اذیت پرداختند حضرت بهاء الله را جس کردند تا بعین ایشان را کشتند
بدرجه اذیت می نمودند که نفسی اطاعت حضرت بهاء الله میکرد جان و مالش
بهدر میرفت ولی آخر مقاومت او را نتوانستند و تعالیمش انتشار یافت لهذا از ایران
حضرت بهاء الله را بغداد و از بغداد بروسی و از آنجا بسین و کافرستانند و در سن

عکاس و نسو و ندم و ندم در آن جس بودم تا اعلان حریت از طرف جمعیت اتحاد
 و ترقی شد جمیع مجوسین را آزاد کردند و من هم بیرون آمدم اما از تعالیم حضرت بهاء الله
 اول تحریری حقیقت است اساس جمیع انبیا حقیقت است و حقیقت یکی است حضرت ابراهیم
 منادی حقیقت بود حضرت موسی خادم حقیقت بود حضرت مسیح مؤسس حقیقت بود حضرت
 محمد مروج حقیقت بود حضرت علی مبشر حقیقت بود و حضرت بهاء الله نور حقیقت حقیقت
 ادیان الهی یکیت در حقیقت اختلاف نیست اما تقالید چون مختلف است سبب اختلاف
 وجدال گشته اگر تحریری حقیقت و ترک تقالید شود جمیع مل متحد گردند زیرا اختلافی در حقیقت
 ادیان نیست بلکه در تقالید است ثانی تعلیم حضرت بهاء الله وحدت عالم انسانیت
 که نسو و جمیع بندگان خداوندند کل را او خلق کرده رزق میدهد میپروراند
 جمیع در بحر رحمت او مستغرق اند و خدا بهمه سربان ما چرا بیکدیگر نامهربان باشیم
 ما باید اطاعت سیاست الهی نمایم آیا ما از سیاست الهی سیاستی بهتر میدانیم
 ثالث نسو و دین با علم توأم است زیرا دین و علم هر دو حقیقت است اگر دین مخالف
 حقیقت باشد وهم است و هر سئله دینی که مخالف علم صحیح و عقل کامل باشد شایان
 اعتماد نه پس تقالید و رسوماتی که منافی علم و ترقی است باید زائل نمود رابع دین باید
 سبب اتحاد باشد قلوب را بیکدیگر ارتباط دهد حضرت مسیح و انبیا الهی بجهت الفت
 و اتحاد آمدند پس اگر دین سبب اختلاف شود نبودن آن مزجج است خامس تعصب
 دینی و تعصب جنسی و تعصب وطنی و تعصب سیاسی سبب جدال است و مادم بنیان

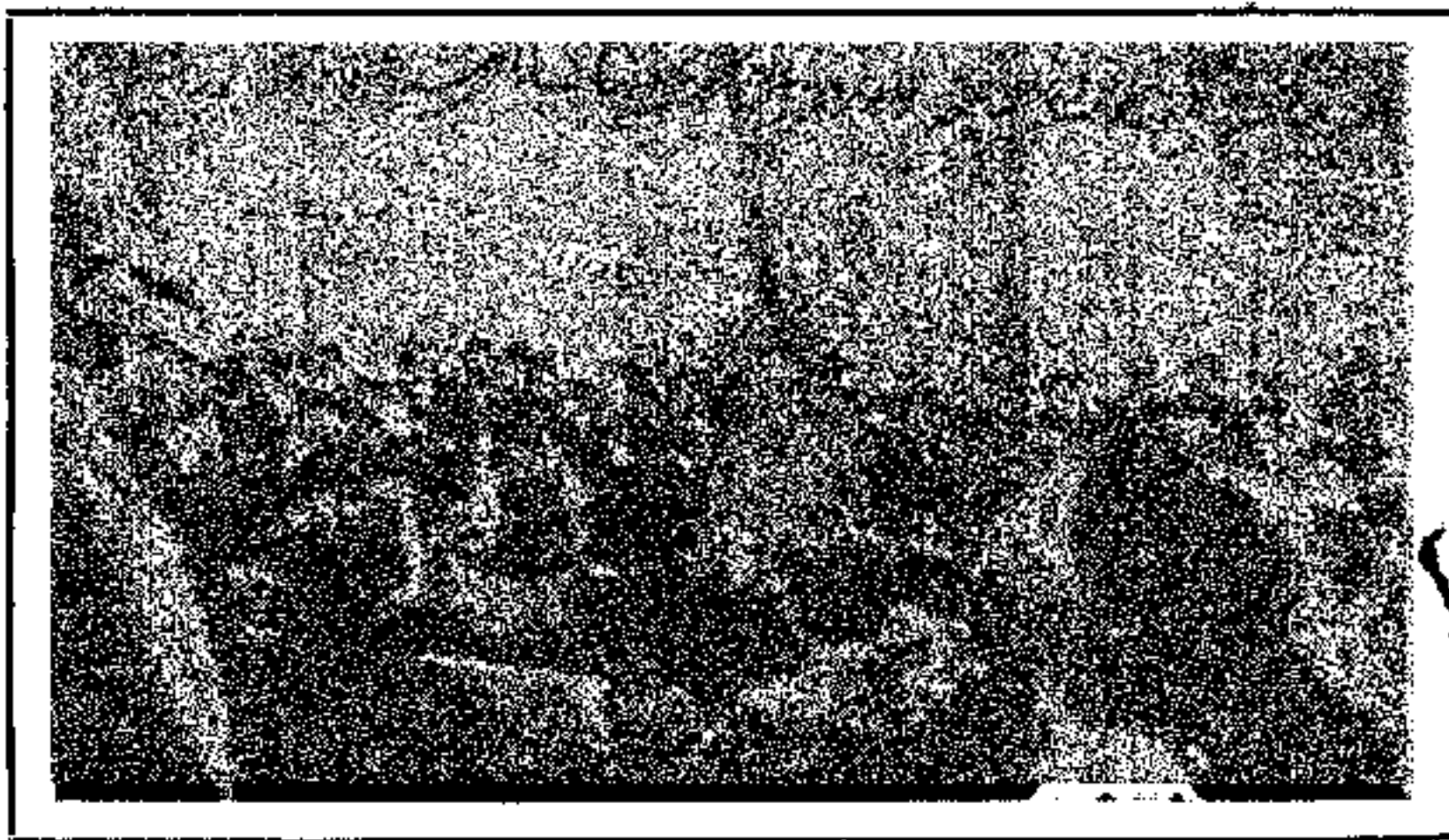
انسانی باید جمیع این تعصبات را ترک نمود ساووس صلح اکبر است عالم بشر باید
 در صلح اکبر باشد تا نور این صلح بر دول و ملل عالم نتابد عالم انسانی آسایش نیابد سبب
 مساوات حقوق رجال نسا است باید نسا تربیت و تسلیم یابند تا ترقی کنند و
 بدرجه رجال رسند از این قبیل تعالیم بسیار نهمی غیر از شرف نفوس در مهوتل آروز
 و شب سه مجلس عظیم منعقد که قریب سه هزار نفر زیارت لغای انور مشرف شدند
 مجلس اول در مال هوس جماع نفوس سیاه و سفید بود و نطق مبارک در خصوص اتحاد و وحدت
 نوع انسان که خدا بجمیع یکسان حواس و قوا داده و اختلاف الوان نوع انسان نند
 الوان مختلفه گلهای گلشن و گلستان است که سبب زیاد صفا و جلوه و زینت انهاست زیبا ناست
 و شبیهات خطابه مبارک که چنان تأثیری در نفوس افتاد که بولوله درآمدند زیرا اجتناب
 و عداوت بین سیاهان و سفیدان در امر یکا بشدتی بود که در مجالس و محافل حتی در اکثر
 عمارات و مهوتلها آمیزش بسیار اجازت نمیدانستند در همان اوقات جناب
 دکتر ضیا بغدادی مستر گریوری را که از اجبای سیاه است بمنزل خود دعوت نمود
 صاحب عمارت چون مطلع شد گفت حتما شما باید خانه مرا خالی کنید چه که همان سیاهی را
 دعوت بخانه نموده ام با این شدت تعصب نفوذ امر الله و قدرت عهد الله بدرجه
 بود که در اکثر شهرهای امریکا صد بهائیان سفید و سیاه مانند خود همسران و برادران با هم
 مشور و مألوف بودند و مجلس دیگر باز مخصوص الفت و اجتماع سفید و سیاه همان شب
 دهندل نال بود و خطابه مبارک در شرح آیه تورات که انسان صورت و مثال الهی است

بصفات و کمالات انسانی نرنگ سیاهی و سفیدی بعد از خم محفل و بیجان و انجذاب
 نفوس از انجا بجلس بهائیان که با سم مشرق الاذکار داشتند تشریف بردند و حین
 ورود مبارک در تالار وسیع جمعیت قریب دو هزار نفر با آنکه همه بهائی نبودند فوراً
 جمع برخاستند و اجباشورش عظیم در محفل انداختند و ندای الهی فضای تالار را
 پر نمود بعد از سرود اجباد لغت و ثنا، میکال اقدس خطا پنه در خصوص مقصود از معبد
 و اتحاد و اجتماع نفوس مختلفه در ظل کلمه واحده شرح فرمودند و پس از مناجاتی فارسی
 بلحن حزین مؤثری حرکت نمودند بعضی از اجله شهر بیرون مجلس مشرف شدند و هم اجازه
 تشریف در منزل مبارک بجهت وقت دیگر گرفتند و جمعیت تا حین سوار شدن و حرکت
 کالسکه مبارک در اطراف حلقه زده بودند روز جمعه اجمادی الاولی (اول ماه میو ۱۲۹۱)
 صبح در حالتیکه سواد بعضی از عمارات شهر و فضای باغ مقابل را از درب بالاخانه ملاحظه
 می نمودند شرحی از آیام اوائل عین عظم و مصائب جمال قدم بیان می نمودند تا آنکه آمدند
 اجباشروع شد و تلکرافات بشارت و نصرت جمال ابھی بجامع مشرق از فم اطهر صدور یافت
 پس گفتگو و اظهار عنایت با اجبا پرداختند و ساعتی بعد بزین مشرق الاذکار بیرون شهر
 که برای این بنا عظیم خسریده شده بود عازم شدند و از روز اجباب جمع در انجا مجتمع بودند
 و خیمه برای محفل لغات شرف اجبازده بودند اول سواره دور آ زمین کردنی فرستادند
 و حدود را ملاحظه نموده بعد زیر خیمه ایستادند و جمعیت اجبا همه حلقه زده طائف و متوجه
 وجه افور بودند در آن حالت نطقی فصیح در قوه خارق العاده ام حضرت بهار الله و جماع نفوس

شرق و غرب در ظل کلمه الله و ذکر مشرق الاذکار عشق آباد و امریکا فرمودند و بعد بحمل
 سنگ بنا تشریف بردند دامه الله مس طبرالتی از طلا که جهت نروزارشپس ساخته بود تقدیم
 نمود که آن آلت اول بدست مبارک جای سنگ بنا را کنند بعد طبر زمین رکاب مبارک
 یک یک بجز زمین مشغول و مفتح گشتند آنگاه و کلاهی مجامع امریکا را حسب الامر صلا زدند
 و هر یک تیشی زد و خاک پاکی برداشت بعد از قبل مل خبای شرق نفوسی نیابت عنایت
 فرمودند که هر یک بالنسبیه از جمعی خدمت مفتح آمد منجمله بهترار و شیر بهرام سر و شس از قبل
 اجبای پارسیان جناب سید اسد الله از قبل دوستان فرقانیان جناب دکتر ضیا
 بالنسبیه از دوستان عرب دامه الله قدسیه خانم اشرف ایرانی از قبل آما الله شرق
 هر یک بجز مشغول چون نیابت کل با تمام رسید سنگ بنا را بدست مبارک گذارند
 پس از آن یک یک اجبار انوارش فرموده حرکت کردند ولی اکثر اجباب آن روز در آنجا ماندند
 و نامار را در زیر خیمه صرف نمودند اما عصر در تالار هتل پذیرا محلی از اجبا خیلی آراسته و نطق
 مبارک در خصوص کمالات روح و ذنیت الهی بود و قبل و بعد مجلس هم متصل اجباب و اغیار
 مشرف می شدند و در اوطاق مبارک بسؤال و جواب مشغول و مشغوف بودند روز
 ۱۵ جمادی الاولی (۲۴ مای) صبح تا ظهر تشریف نفوس متواتر بود اول در اوطاق مبارک
 مشرف می شدند بعد چون جمعیت زیاد شد در بیرونی تشریف آوردند و نطقی در خصوص
 الفت و اتحاد و پرهیز از بغض و عناد فرمودند و ابتدای آن ذکر سفر مبارک بود که مقصد
 از طمی این مصافت و تحمل صعوبت سطوع نورانیت در عالم غرب بوده زیرا در ممالک



This Photograph is taken when the first stone of the Mashrak-el-Azkar in Chicago was planted by Abdul Baha.



غرب استعداد زیاد است الهی کمتر است تعالید و او با ما اند افکار عالیه زود است شایاناً
 و امروز اعظم افکار خدمت بوحده عالم انسانی صلح عمومیست الهی از بیان الاصلی و عصر از روز
 و مجلس عمومی بود یکی در کلوب اشخاص از زمان و یکی محفل موحدین که هر دو در لاسل موبل منعقد
 و خطابهای مبارکه یکی در تربیت و حقوق است و دیگری در خصوص قوای عظیمه انسانی و دلیل
 از دلائل ثبوت واجب الوجود که از اشتیاق قلوب و انجذاب نفوس همه بهائیان شرق
 و غرب شکر تائیدات ملکوت ابھی می گفتند و مانند گل شکفته و خندان بودند و چون مراست
 از آن مجالس فرمودند باز نطقی در منزل مبارک در جواب و سوال نفوس در خصوص تفاوت
 استعدادات اشخاص فرمودند که نفوس دارای دو استعدادند یکی بصرف قوای طبیعی و
 دیگری تربیت معلم انسانی حاصل شود و استعداد طبیعی نیز ظهور و بروزش کاملاً بسته
 تربیت است و معلق بکوشش خود انسان یعنی استعداد طبیعی بدون تربیت و کوشش انسانی
 کاملاً ظاهر نشود و کمال آن منوط بسعی و تربیت است و سوال از چگونگی معاشرت با اشخاص
 بد عمل کردند فرمودند آن نیز دو قسم است قسمی ضرریش بخود صاحب عمل رجعت و منفعت
 نیست البته باید بحکمت شخص بد عمل را آگاه و تربیت نمود و مریض است باید او را شفا
 داد اما قسمی است که ضررش ب دیگران میرسد و معاشرت با چنان شخص سبب سوء اخلاق
 می شود در این صورت حشر با آن نفوس جائز نه مگر برای کسانی که بر منع و تربیت قادر
 و غالب باشند و حتی الامکان سبب تعدیل اخلاق و تحسین اطوار گردند و الا حفظ هیئت
 اجتماعیه از مضرات اعمال انگونه اشخاص راجع بمرکز عدل و داد است نیست که در الواج

جمال مبارک هم حکم معاشرت با ادیان و وحدت عالم انسان است و بهم منع الفت
 با شش روزم احترام از ابل نغی و انکار انتهی و همچنین از روز جمعی از صاحبان علوم و مهندسی
 و جبهه حکومت تشرف حاصل نمودند و شرحی از لوازم محفل مشورت و تکالیف و کلامی
 ملت از قم اطهر صادر روز عجمادی الاولی (۳ مای) از صبح زود دسته دسته
 نفوس بشرت تقاضای جناب و اغیار همه در نهایت شوق و شغف شاکر عنایات
 مبارک بودند از جمله جماعت هندوستانی ما که در اکثر محافل عطا حاضر و مشرف میشدند
 از روز همه جمعاً وارد پس از اجازه تبریک نامه که بساحت قدس عرض نموده بودند
 خوانده تقدیم کردند و ترجمه آن که از انگریزی بفارسی نوشته شده نیست از انجمن
 هندوستانیان شیکاگو ۳ مای ۱۹۱۲ حضور مبارک حضرت عبدالمجیب عباس
 هواند حضرتان که اعضای انجمن هندوستانیان شیکاگو مستقیم نزول قدم مبارک
 شمارا باین تسلیم تهنیت و تبریک میگوئیم و امری که سبب تشرف فرمائے انحضرت باین
 مملکت شده مایه نهایت قدر دانی و اتمان ماست آسیا پیوسته محل بروز ادیان
 بوده تولید محمد و مسیح و بودا و کانفوسیوس در آن نقطه شاسعه گردیده و ما بر اوستی
 معتقد بر اینیم که آسیا در این اوان اسباب ایستاد خواهد شد و مانند امر بودا امر مجتبی
 علیت اتحاد احم و تعالیم تمام بزرگان و پدران ما خواهد گشت اگر چه آسیا در حال تدنی
 است لکن ما خود را تسلی میسریم باین افکار که هر چند مادیات در حالت ضعفیم اما در روحانیت
 سبب سرفروزی جهانیان لهذا نهایت مسترت را از این داریم که اسباب کسب علوم

و تحصیل فنون مشرقیان را در ممالک غرب فراهم فرمایند که جوانان ایران در این ممالک
 تبدیل افکار و تحصیل معلومات مادی نموده اناث و ذکور مایه ترقی ممالک شرق گردند
 و دیگر ممالک امانی هندوستانیم میدانیم که منافع زیاد از مسافرت آنحضرت بوطن ما عاید
 خواهد شد زیرا عدم اتحاد هندو مسلمان آنها را بنهایت جدال وادار نموده اما
 تعالیم شما که جمیع ممالک وصول تعالیم بزرگان است میتواند آنها را متفق نماید و مهم بتبانیه
 متحد سازد و یقین داریم که مثل این پذیرائی و احترام امریکای شهاد در مهندم نسبت بانحضرت
 مجری خواهد شد خداوند طول عمری بوجود مبارک بددتا پیام خود را ابلاغ بکافه نوع
 انسان فرمایند ای آقای عزیزانم خلاصندان شما اعضا انجمن هندوستانیان
 شیخان و دیگر چون جمعی زیاد مجتمع شدند در مهول نطقی عمومی در خصوص تحلیل قوای مادیه
 و نتیجه وجود انسان بهدیت الهیه و تربیت روحانیه فرمودند که کل والد و حیران گشتند و پرورد
 تعالیم مبارک را منتها درجه سعادت عالم انسان دانستند چنانچه تحریر و شهادت اهل هند
 و نفوس اخری برای طالبان و منصفان خود نمونه اشتعال و بیجان دیگران است و لفظه
 تدل علی البحر آخر شب محفل مشورت بهائیان بود اول خدام حضور فرستادند و بعد نظر
 بر عایت اعضا محفل خود شریف بردند و مختصر بیاناتی فرموده حرکت کردند ولی در امور
 مشرق الاذکار فرمودند من مذاکره نمیکنم راجع بمحفل شورهت وقت دیگر فرمودند اگر من
 در امور مشرق الاذکار مذاکره می نمودم بایستی فوراً ساخته شود اما اول شب خطابه بسیار
 همین و موثر در انجمن تیا سفیها او فرمودند که جمیع حضار علی الخصوص اعضا و آن انجمن شهنشتر

و شیفته خطابه مبارکه گردیدند و در همان روز بود که بعضی از چهار جای گرفتن عکس مبارک
 را نمودند لهذا در باغ مقابل هتل چند صفحه عکس مبارک بواسطه متر و سس کلیوس که از اجناس
 خیلی منجذب بودند برداشته شد و در دست مبارک گلی بود ایستاده در یک صفحه خدام
 ایرانی در ساحت قدس بودند و در دو صفحه عموم اجناسی که حاضر بودند در محضر انور عکس
 انداختند هر چند در سایر بلاد نیز مکرر عکس مبارک را برداشته اند ولی در آن چند صفحه
 عکس مبارک خیلی بهتر و شبیه تر گرفته شده روز ۱۷ جمادی الاولی (دعای) چون
 آخر ایام اقامت مبارک بود مجالس عدیده و محافل مهمه منعقد گردید صبح بعضی از شیشها
 در منزل مبارک مشرف شدند و مجمع یومیه نیز در هتل مهیا و نطق مبارک شش رچی در
 خصوص موالید ثلاثه و لزوم تربیت کلیه بود بعد از آن روانه کلیسای کانگرگشن
 گردیدند کلیسای منظم و باشکوه و شیش آن موسوم بدکتور میلبرن که مکرر مشرف شده بود
 در نهایت اشجذاب بعد از فرائض نماز در معرفی طلعت یثاق عنوان بیانش این بود که
 تعالیم و اوصاف حضرت عبدالبهار ابواسطه کی از دوستان شنیده و عازم عکا بودم
 بعد شنیدم که وجود مبارک خود عزم سفر امریکای فرموده اند حال خدا بر ما منت گذارو
 که ایشان بنزول قدم مبارک بار اسر فرما فرموده اند پس اذان در تاریخ و تعالیم امر
 مفصل گفتگو کرد و آخر وجود مبارک را با اسم بشر صلح و فرزند خدا عباس افندی معرفی
 نمود چون طلعت عهد الله قیام فرمود هیئت کلیسا برخاست با آنکه در کلیسا بودند همه گفت
 بگفت زدند و اظهار شاکت کردند تا با اشاره مبارک جمیع ساکت دستها استماع



Abdul Baha and a group of the Bahais in Chicago.

خطاب غزاه گشتند که موضوع آن ظهور مرکز انوار و طلوع شمس خفیت بود در هر موسمی از برجی
 و شرحی در تجدید ادیان و وحدت انبیا و اساس کتب الهیه و امثال ذالک فتمتی بمساجد
 فارسی بلخ طبع جان بخش گردید و تضرع نفوس و انقلاب قلوب چنان محسوس که فضای
 کلیسا مملو از روح اقدس شده بود و از محراب تا باب کلیسا بصعوبت عبور فرمودند
 زیرا دستة دستة نفوس هجوم می کردند دست می دادند و طلب تایید و برکت
 می نمودند و در آنگونه کناکس و مجامع تعجب در این بود که اغلب نفوس با آنکه بهائے نبودند
 و تا آن وقت بعضی زکری از تعالیم این امر شنیده بودند آن قسم خضوع و انجذاب
 حاصل نمیدادند و بعضی از روز و شب چنان بی اختیار شده بودند که در اتوبیل خود سوار
 شده مجلس بحلب عقب سر مبارک می رفتند تا از روز منزل دکتور فورویل فرمودند
 و پس از تشریف جمعی از انجباری به هتل حرکت نمودند و سرمودند قدری پیاده میرویم
 و بعد تراموای میگیریم بعضی از خدام با میزبان عرض نمودند راه دور است با صرار آنها
 سوار اتوبیل شدند و مرتبه در راه روبرو اتوبیل پاره و معطل شد آخرین راه در تراموای
 سوار شده چون به هتل رسیدند جمعی که فقط قدم مبارک بودند مشرف شدند و در جواب
 سؤالات خویش بیانات مبارک کئی شنیدند که آن شکر و ثنا گشودند از جمله شخصی از
 عواقب امور ممالک آسیا و بلاد شرق پرسید خلاصه بیانات مفصله در جواب این
 بود که جز بقوه معنوی و امر الهی ترقی نماید هر یک از مظاہر الهیه در ملت و مملکتی مبعوث
 شد که بظاہر هیچ اسباب نجات و ترقی برای آنها نبود ولی چون در ظل امر آنها وارد شدند

بر جمیع ممالک متدنه تقدم جستند امروز هرمت و مملکتی که علم و وحدت عالم انسانی بلند نماید
 و در ظل این قوه الهیه وارد شود در آخر مقداى عالم گردد (سؤال از فرق امر بهائى
 با سایر ادیان کردند شرحی در جواب فرمودند که) اساس جمیع ادیان از حیث اصول
 یکیت و جمیع مبنی بر حقیقت نیست که بین مظاہر امر و ادیان الهی تفاوتی نیست اما از حیث
 فروع است یعنی احکامی که راجع بمعاملات و جزئیات است چون این فروع است راجع بمقتضیات
 وقت و زمان است لهذا در هر عصری تعدیل میشود (از این قبیل بیانات شرح
 و مفصل فرمودند (سؤال از شر و صفات ضمیمه کردند فرمودند) در وجود هستی
 شریعت بلکه شر عدم خیر است چنانچه ظلمت عدم نور است (و شرحی از مقتضیات
 عالم خلقت مادی فرمودند که) لازمه آن تغیر و تبدیل است چه اگر تغیر و تبدیل نباشد
 ترکیب و تربیت اشیا نشود و چون تغیر و تبدیل و شتیت و ترکیب لازم آید
 اضداد پیدا شود ولی در حقیقت ضدی نیست چنانکه در عالم شمس ظلمتی نیست و شرق
 و غربی نه اما از مقتضیات این عالم شب و روز نور و ظلمت است انهی چون در
 مسئله اجوبه مفصله صادر و نفوس حاد و شاکر باس شرو و جمعی از اجسما
 و خدام حضور برای فاتحه خوانی بقبرستان شیخ کاغوش شریف بردند و اول شب
 تشریف فرمای کلیسای آل سسزگشتند در آنجا نیز میجان عظیمی در نفوس مشهود
 و خطابه مبارکه در بیان مقصود نظام الهیه و صلح و اتحاد نوع انسان بود و شرحی
 بسوط از ظهور اعظم ابی و نفوذ کلمه علیا پس از آنکه اکثر مردم دست دادند و اظهار شکر و

Abdul Baha with the Bahai Children of Chicago.



بیان ممنونیت و اخلاص خویش بحضور انور کردند از آنجا که مبارک یکبر منزل
 دکتور میلبرن کشیش کلیسای کانگنکش وارد چون نزول اجلال فرمودند در منزل کشیش
 مذکور نیز لطفی فصیح و بلیغ و بیانی مؤثر و طبع در فوائد صلح و صلاح و مضرات جنگ و جدال
 و لوازم آسایش عمومی و وحدت عالم انسانی فرمودند چون شب آخر بود تا اثر نفوس
 و رقت قلوب بدرجه رسید که بجزیره و وصف نیاید روز ۸ جمادی الاولی (دهم ای)
 روز حرکت موکب اقدس بود و در ایستگاه منزل مبارک شور و ولوله اجاب بسیار بعد
 در تالار هتل مجلسی مفصل از اجاب و جمعیت اطفالشان منعقد اول اطفال ایشقت
 و رأفتی فوق العاده در آغوش مبارک گرفتند آنها را بوسیدند و بهر یک
 شیرینی و گل عنایت کرده فرمودند شما ما بفرموده حضرت مسیح اطفال ملکوتید و بفرمایش
 حضرت بهاء الله شمعهای عالم انسانی زیرا قلوبتان در نهایت صفاست و رویتان
 در نهایت تقدیس آلوده باین عالم نیستید و مانند آئینه دل‌های شما پاک و صاف
 است پدران و مادران شما باید شمارا بکمال رأفت پرورش دهند بنهایت
 آداب و کمالات تعلیم نمایند تا در نهایت آفاق بفضائل عالم انسانی متصف شوید
 و در جمیع مراتب ترقی نمائید تحصیل علوم و صنایع کنید سبب ظهور فیوضات باقیه
 شوید و علت ترقیات کلیه گردید (بعد خطاب بسیار اجانمؤنه فرمودند) من مردم
 لکن شما باید بر خدمت کلمه الله برخیزید قلبستان پاک باشد نیتستان خالص شود
 تا مستفیض از فیوضات الهیه گردید ملاحظه نمائید که هر چند آفتاب بر جمیع اشیاء

یکسان می‌تابد ولی در آئینه صاف جلوه شدید نماید نه در رنگ سیاه شدت
 جلوه و حرارت آن در زجاج و بلور بحیث لطافت آنست اگر لطافت و صفا نباشد
 این تأثیرات ظاهر نشود همچنین باران اگر بر زمین شوره زار بیارند و ابداً اثری از آن نپهوه
 نرسد اما اگر بر زمین پاک و طیب بارند سبز و خرم شود و بار و ثمر آرد امروز در زیت
 که قلوب صافیه از فیوضات ابدیه بهره گیرند و نفوس زکیه از تجلیات باقیه روشن منور
 گردد شما اسجدت مؤمن باشد و موقن بکلمات باشد و متوجه بملکوت باشد هستید
 الهی را شنیدید قلوبتان بنام جنت ابی بهتر گردید نیت خیر دارید مقصدتان رضای
 الهی است مرادتان خدمت ملکوت رحمانی است پس کمال قوت بر خیزید و با یکدیگر
 در نهایت اتحاد باشید ابداً از یکدیگر کدر نشوید نظر تان بملکوت حق باشد نه عالم خلق
 خلق را از برای خدادوست دارید نه برای خود چون برای خدادوست می دارید همچو قوت
 کدر نمی شوید زیرا انسان کامل نیست لابد هر نفسانی نقصی دارد اگر نظر بنفوس نماید
 همیشه کدر می شوید اما اگر نظر بجد انمائید چون عالم حق عالم کمال است حجت حضرت
 لذا برای او همه را دوست میدارید همه مهربانی میکنید پس بقصو کس نظر ننمائید
 جمیع را بنظر عفو ببینید زیرا چشم خطابین نظر بخطا کند اما نظر خطا پوشش بخالق
 نفوس نبکند چه که جمیع را او خلق کرده کل را او می پرورد و رزق می دهد جمیع را روح
 و روان مبذول میفرماید چشم و گوش عطای کند لهذا کل آیات قدرت او هستند
 باید جمیع را دوست داشت جمیع مهربانی کرد فقر را رعایت نمود ضعفا را حمایت کرد



This Photograph is taken at Lincoln Park in Chicago
by Mr. A. C. Killins of Spokane.